

میان بر کهن الگو برای فیلم نامه

محمدرضا زبیدی

دبیر مجموعه: فاضل تنیسی

سرشناسه	محمدرضا، نعمتی، ۱۳۶۰-
عنوان و پدیدآورنده	میان‌بر کهن‌الگو برای فیلم‌نامه / محمدرضا نعمتی
مشخصات نشر	تهران روزنه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۲۱۲ ص. رقعی
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۶۸۳-۶
وضعیت فهرست	فیفا
موضوع	اسطوره در سینما
موضوع	Myth in motion pictures
موضوع	فیلم‌نامه‌ها -- تاریخ و نقد
موضوع	Motion picture plays--history and criticism
ردد ندی دیویی	۱۳۹۶ ۷۱۳۵۵/۹/۱۹۹۵ PN
رددی کنکره	۷۱/۴۳۶۱۵
مارهٔ - بشناسی ملی	۴۷۲۷۰۵۲



میان‌بر کهن‌الگو برای فیلم‌نامه محمدرضا نعمتی

دبیر مجموعه: فاضل ترکمان

طرح جلد: سهیل حسینی

چاپ اول: ۱۳۹۷

قیمت: ۱۹۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: روزنه کار

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی، پلاک ۲۰۲، واحد ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۸۵۳۷۳۰ - ۸۸۸۵۳۶۳۱ ☎ نمابر: ۸۶۰۳۴۳۵۹

سایت: www.rowzanehnashr.com

telegram.me/rowzanehnashr

rowzanehnashr

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۶۸۳-۶ ISBN: 978-964-334-683-6

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست

پیشگفتار.....	۹	۸- آزمایش (آزمون نهایی).....	۳۳
مقدمه.....	۱۳	۹- پاداش (ربودن شمشیر).....	۳۴
		- مسیر بازگشت.....	۳۵
فصل اول.....	۷	۱۱- تجدیدی حیات (زستاخیز).....	۳۵
دو مفهوم بنیادی.....	۱۶	۱۲- بازگشت با اکسیر.....	۳۷
۱- اسطوره.....	۱۹	چنانچه نقاب پنهان الگویی مهم.....	۳۹
۲- کهن الگو.....	۲۱	قهرمان.....	۳۹
		منادی.....	۴۰
فصل دوم.....	۲۳	استاد (دانای سرزانه، مانا، پیر، مرشد).....	۴۱
شرح مختصری از مراحل ۱۲ گانه سفر.....		متلون.....	۴۲
قهرمان.....	۲۵	نگهبان آستانه.....	۴۳
۱- دنیای عادی.....	۲۶	سایه.....	۴۴
۲- دعوت به ماجرا.....	۲۷	دغلباز.....	۴۵
۳- رد دعوت.....	۲۸	معشوقه.....	۴۶
۴- ملاقات با استاد.....	۲۹		
۵- عبور از نخستین آستانه.....	۳۰	فصل سوم.....	۴۹
۶- آزمون‌ها، متحدان، دشمنان.....	۳۰	کهن‌الگوهای شخصیتی و نمادهای.....	
۷- راهیابی به ژرف‌ترین غار.....	۳۱	اسطوره‌ای.....	۵۱

۷۳.....	فصل چهارم	۵۲.....	کهن‌الگوهای مردان
۷۵.....	تحلیل فیلم	۵۲.....	ژئوس
۷۷.....	۱- بالا روی هوا	۵۳.....	هادس
۸۹.....	۲- شرلوک هولمز، بازی سایه‌ها	۵۵.....	پوزیدون
۹۷.....	۳- شوالیه تاریکی برمی‌خیزد	۵۶.....	آپولو
۱۱۱.....	۴- قصه اسباب بازی ۳	۵۷.....	هرمس
۱۱۹.....	۵- لوسی	۶۰.....	دیونوسوس
۱۲۷.....	۶- بین ستاره‌ای	۶۱.....	آرس
۱۳۹.....	۷- ساقدوش‌ها	۶۲.....	هفائستوس
۱۵۱.....	۸- جانگوی گسسته از بند	۶۳.....	کهن‌الگوهای ونوس‌های مجازهای زنان
۱۶۱.....	۹- سخنرانی پادشاه	۶۴.....	آرتمیس
۱۷۳.....	۱۰- قوی سیاه	۶۵.....	آتنا
۱۸۳.....	۱۱- خیابان جامپ، پلاک ۲۳	۶۶.....	هرا
۱۹۵.....	۱۲- حال همه خوب است	۶۷.....	دیمتر
۲۰۷.....	مؤخره	۶۸.....	پرسفون
۲۱۱.....	فهرست منابع مطالعاتی	۷۰.....	آفرودیت

پیشگفتار

هرچند جهان سینما به تازگی روایت‌های نو و هیجان‌انگیز را به نمایش درمی‌آورد، اما هنوز هم، اکنون سنگری امن برای استتار ناپلیدی است. هرچند دوران شیرین کلاسیک سینما به سر آمده، اما متد کلاسیک زنده مانده تا هر ساله دو یا سه اثر، تماشاگران مشتاق را به دیدن قصه‌ها غافلگیر و ذوق زده کند. حال و هوای فیلم‌نامه‌های موفق اخیر ترکیب عناصر کلاسیک، ساختارگرا با رویکردهای نوین طراحی پیرنگ است. این فصل تازه در قصه‌گویی سینما را از روایتی که تمام داستان‌ها و وضعیت‌های نمایشی بارها گفته شده‌اند، در مقام تشبیه و تکرار، شبیه سوالات کنکور؛ در سالیان ابتدایی آزمون سراسری، دست طراحان سوال باز برد تا از هر کجای کتب درسی که می‌خواهند بپرسند اما پس از به اتمام رسیدن موضوعات، تکرار چندباره خط به خط منابع درسی، اکنون برای گریز از صدها باره‌پرسی حتی پا ورقی کتب درسی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. با این حال، علیرغم این تنگی قافیه، باز هم باید اذعان داشت رویکرد کلاسیک در هفت اقلیم هنر تنها فرم پایدار است.

مکاتب فیلم‌نامه‌نوسی را می‌توان به دو گروه کلی ساختارگرا و غیر ساختارگرا تقسیم کرد. داعیه‌داران گروه اول نظریه‌پردازانی همچون رابرت مک‌کی، دیوید بوردول و لیندا

سیگر... و در گروه دوم اساتیدی چون سیدفیلد، جان تروبی، کریستوفر ووگلر و... قرار دارند. در آموزه های مکتب غیرساخت گرا، پیشنهاد برای یک روند مشخص در پلات و به کارگیری کلیشه بسیار کم رنگ است و تلاش بر آن است نویسنده به معرفت و ذات درام؛ و حتی گاهی فراتر، مانند ژان کلود کرییر به خودشناسی و تشخیص رهنمون شود. در چشم انداز کلی، در جبهه مکتب داران ساختارگرا، نویسنده به پابندی خود در چهار ریبی، سلاقه تحدید می شود با این تضمین که وی نیز مانند یک موزیسین با همان تعداد محدود نت می تواند خالق ملودی های نامتناهی خود باشد.

یک قصه نیست غم عشق وین عجب

کز هر دهان که می شنوم نامکرر است

در دهه اخیر، از زیبا، بسیار، از اهالی هنر هفتم عبارت "معضل سینمای کشور فیلم نامه است" را می شنوم. گرچه این گزاره، از فرط تکرار اثرگذاری خود را از دست داده و همین تکرار باعث کدورت، ادا شده اما خالص از واقعیت نیست. با این حال، یادآور می شود این مشکل نه تنها دامن گیر سینمای وطنی بلکه معضل بسیاری از سینماگران جهان است؛ گواه اینکه با تماشای فیلم هایی که رزوه های تبلیغاتی کمپانی ها گوش علاقمندان را پر کرده اند پی در پی مایوس می شویم و هر ساله باید شاهد موج هایی باشیم که به تعبیر اهل فن چند روزی در اوج هستند و در گذر زمان نه تنها چیزی از شخصیت ها و خط قصه های آنان در خاطرم مان حک نمی شود، بلکه حتی پس از چند ماه نام این آثار را نیز فراموش می کنیم. از این رو است که تلویزیون با ساخت سریال سازی و گفتن قصه هایی آشنا، مدتی است کارت زرد را به سینما نشان داده و نگریم تا پس رفتن این هنر صدساله شاید وقتی باقی نمانده باشد. تازه این در شرایطی است که سینمای جهان با امکانات بی انتها و باریخت و پاش های بصری خیره کننده، می تواند تا حدودی بر ضعف های دراماتیک درپوش بگذارند و بیننده را مرعوب صحنه های جلوه گر خود کنند. اما در این سوی دنیا، چنین مکمل های غذایی برای تقویت درام حتی به آرزوهای

اهالی یک سینمای فقیر و ورشکسته نیز خطور نمی‌کند.

فارغ از مشکلات قصه‌گویی در سینمای بیرون مرزها، معضل فیلمنامه در داخل را می‌توان در جنبه‌های مختلف از جمله حقوق مادی و معنوی نویسندگان، رواج آلترا تیبوهای کلاسیک، رشد قارچ‌گونه تهیه‌کننده، کارگردان‌هایی که فیلم‌نامه نیز می‌نویسند (!) نهادهای موازی سانسور، دانش کم و نیز کار نابلدی متولیان فیلم‌سازی از جمله تهیه‌کنندگان، شوراها، تصویب، کارگردانان و... مورد بررسی قرار داد. اما قسمتی از ما را که به آموزش و تکنیک و مطالعات آکادمیک مربوط می‌شود، چگونگی استفاده از عناصری است که بدب مخاطب کند و از جمله این عناصر، الگوهای کهن است. در باب اسطوره و... ستاره‌های فراوانی صورت پذیرفته و سینما نیز از این یافته‌ها بی‌نصیب نمانده است. مهم‌ترین گام را کریستوفر ووگلر با دوازده گام خود در کتاب (سفر نویسنده: ساختار اسطوره‌ای برای نویسندگان) برداشت تا با تبدیل یافته‌های کمبل اسطوره‌شناس به زبان سینما، نقشه‌های نقش‌های تقیس بشر زده باشد.

به جهت اهمیت جایگاه اسطوره‌شناسی در سینما، علاوه بر کتاب کریستوفر ووگلر در باب به کارگیری کهن‌الگوها و اساطیر در فیلم‌نامه، تلاش‌های دیگری نیز انجام شده است. به عنوان نمونه، رابرت وویتلا در اسطوره و فیلم‌نامه، پنجاه فیلم کلاسیک را در ده ژانر اصلی مورد بررسی قرار داده اما تا این زمان که "میان‌بر" صادره برای فیلم‌نامه "مراحل نگارش خود را سپری می‌کند، هیچ پژوهشگری به بررسی توانایی‌های پیرنگ از منظر کهن‌الگو و تاثیر متقابل این دو عنصر نپرداخته - و اگر هم پرداخته باشد به زبان فارسی برگردان نگردیده است.

نگارنده در این کتاب بنا دارد با واشکافی ۱۲ فیلم از آثار موفق سینمای جهان در گیشه، نظریه ارسطو که معتقد بود "شخصیت همان کنش و کنش همان شخصیت است" را به مجالی برای آموزش عینی محقق کند. برای تحقق این مدعا، پس از انتخاب سه مرجع اصلی، چالش بعدی نحوه انتخاب فیلم‌ها برای انتقال مفاهیم است. این نحوه

گزینش مثال‌ها در آموزش فیلم‌نامه نویسی چه در کتب و چه در کلاس‌های درسی چیزی است که همیشه مورد سوال نگارنده بوده است: آیا همه بضاعت سینمای جهان همان چند فیلم همیشگی مثل تِلما و لوئیز، پدرخوانده، سکوت بره‌ها، همشهری کین و... هستند؟ یا مولفان و آموزگاران با نیم‌نگاهی به رفرنس‌های ترجمه نشده کهنه، کار را برای خود راحت کرده‌اند؟ به هر تقدیر، برای رفع این نقیصه، جهت‌گیری اصلی در گزینش نمونه‌ها برای این کتاب، استفاده از تولیدات اخیر سینمایی جهان است و هر چه از این سرمایه‌های تاریخ سینما نیز به فراخور بهره خواهیم گرفت.

در حاتم دزم، اسم از فاضل ترکمن به خاطر مهیا کردن امکانی برای چاپ این کتاب و نسیم ربانی به خاطر کمک‌های بی‌دریغش در به ثمر رسیدن این تلاش و دکتر ارسطو جنیدی که در این اشعار مناسب مرا یاری کرد، همچنین دکتر علی روحانی و دکتر رامتین شهبازی سایت دانشگاه سوره و تمام دست‌اندرکاران نشر روزنه مراتب سپاسگزاری و تشکر را به عرض آوردم.

خردادماه ۱۳۹۶

محمدرضا نعمتی